



ادبیات پایداری؛ بشارت‌ها و نگرانی‌ها

پس از گذشت چندین دهه از انقلاب اسلامی و آفرینش آثار فراوان و تأمل‌برانگیز ادبی و نیز گسترش تحقیقات دانشگاهی در قالب رساله‌ها و مقالات پژوهشی در این زمینه، که به شمه‌ای از آن در سرمقاله قبلی اشاره رفت، بسیار منطقی و طبیعی بود که این جریان ادبی صبغه‌ای دانشگاهی‌تر به خود بگیرد و رسماً در قالب یک رشته یا گرایش به مراکز علمی-آموزشی راه یابد. تحولات سال‌های اخیر در دانشگاه‌ها، که به گسترش تحصیلات تکمیلی و تأسیس رشته‌ها و گرایش‌های متعدد و متنوع و تخصصی‌تر شدن آموزش انجامید، دلیل و انگیزه‌ای دیگر بود برای ایجاد رشته و گرایش‌هایی در زمینه‌های مختلف، از جمله ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

دانشگاه شهید باهنر کرمان نخستین مرکز دانشگاهی بود که، به سال ۱۳۷۸، یعنی سه دهه بعد از تحقق انقلاب اسلامی و دو دهه پس از پایان جنگ تحمیلی، به تأسیس رشته دانشگاهی «ادبیات مقاومت» در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی اقدام کرد؛ با این هدف که هم به ضرورت ایجاد گرایش‌های متنوع در عرصه آموزش و

تحقیقات زبان و ادبیات فارسی جامه عمل پوشانده باشد و هم فرهنگ دفاع مقدس را از طریق ترویج پژوهش در زمینه ادبیات پایداری گسترش دهد. اهتمام به نقد و بررسی آثار ادبی دفاع مقدس با روش علمی و پرورش محققان و متخصصانی در حوزه ادبیات پایداری، حسب نیاز جامعه، از دیگر انگیزه‌های دانشگاه شهید باهنر کرمان در تأسیس رشته ادبیات مقاومت بود. این دانشگاه، ضمناً، با راه‌اندازی مجله‌ای علمی-پژوهشی در این زمینه توانست نظر و همکاری بخشی از محققان این عرصه را نیز به خود جلب کند. پیش از این اتفاق، فضایی دانشگاهی کرمان با برپا کردن کنگره سراسری ادبیات پایداری توانسته بودند زمینه را برای تأسیس این رشته و فعالیت‌های بعدی فراهم کنند. این کنگره تا امروز، در مقاطع زمانی مشخصی، به کار خود ادامه داده و توفیقاتی به دست آورده است.

رشته ادبیات مقاومت، از سال ۱۳۹۲، هم‌زمان با بازبینی رشته زبان و ادبیات فارسی و تأسیس گرایش‌های متنوع در آن، یکی از گرایش‌های چندگانه زبان و ادبیات فارسی شد و برای آن با عنوان «ادبیات پایداری» سرفصل‌هایی تازه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نوشتند؛ البته برخی از دانشگاه‌ها تاکنون به رشته ادبیات مقاومت وفادار مانده و همان قالب را حفظ کرده‌اند.

موضوع ادبیات مقاومت یا پایداری، اگرچه عام است و هرگونه ادبیات ستیهنده بر بی‌عدالتی را در هر برهه زمانی و همه قلمروهای جغرافیایی در بر می‌گیرد، به طور ویژه به ادبیات انقلاب اسلامی و خصوصاً بخش ادبیات دفاع مقدس آن می‌پردازد و می‌تواند برای بسیاری از دوستداران ادبیات فارسی، به ویژه ادبیات معاصر، جذاب و دلکش باشد. دانشجویان گرایش ادبیات پایداری، غیر از واحدهای تخصصی، مثل دانشجویان دیگر گرایش‌های زبان و ادبیات فارسی، دروسی مشترک نیز در زمینه نظم و نثر فارسی و کلیات مسائل ادبی و زبان خارجی و... می‌گذرانند و این باعث می‌شود اطلاعات آنان

از مباحث کلی رشته زبان و ادبیات فارسی در پایه دیگر دانشجویان باشد و بتوانند در آزمون دکتری زبان و ادبیات فارسی با دیگران رقابت کنند.

بعد از تأسیس رشته «ادبیات مقاومت» در دانشگاه شهید باهنر کرمان، این حرکت با استقبال دانشگاه‌ها و دیگر مراکز علمی روبه‌رو شد و دانشگاه‌های متعددی به تأسیس این رشته - و بعداً گرایش - اقدام کردند. در حال حاضر، سیزده دانشگاه دولتی (از دانشگاه تهران در مرکز گرفته تا دانشگاه‌های دیگر در اقصی نقاط کشور) به پذیرش دانشجو در گرایش ادبیات پایداری اقدام کرده‌اند. بر این جمله، بیفزایید سیزده مرکز دانشگاه پیام نور و دست کم شانزده واحد دانشگاه آزاد و چندین مؤسسه غیر انتفاعی را که همگی به تربیت دانشجویانی در این گرایش همت گماشته‌اند. البته، مراکزی مثل دانشگاه شاهد هم هستند که گروه‌هایی به همین منظور تأسیس کرده‌اند. بر این اساس، تاکنون، دست کم، ۴۲ مرکز بزرگ و کوچک دانشگاهی به این «گرایش» گرایش نشان داده و آن را به یکی از موضوعات پُررونق دانشگاهی در سال‌های اخیر تبدیل کرده‌اند.

از آمار دانش‌آموختگان و دانشجویان ادبیات پایداری اطلاع دقیقی نداریم. قدر مسلم این است که، بر اساس محتوای دفترچه سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۱۳۹۵، بنا بوده است ۲۳۶ دانشجوی کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های دولتی و ۲۵۹۷ نفر در دانشگاه‌های پیام نور و ۹۹ نفر از طریق مؤسسات غیر انتفاعی آموزش عالی جذب این رشته و گرایش بشوند که، با یک حساب سرانگشتی، بالغ بر حدود ۲۹۳۲ تن می‌شود. البته، بسیار بعید می‌نماید که دانشگاه‌های یادشده توانسته باشند این تعداد را جذب کنند.

چون در دفترچه‌های دانشگاه آزاد ظرفیت پذیرش دانشجو اعلام نمی‌شود، اطلاعات ما از شمار دانشجویان این گرایش بسیار محدودتر است. تنها می‌دانیم که شانزده واحد و مرکز دانشگاه آزاد، هم در رشته ادبیات مقاومت و هم در گرایش ادبیات پایداری،

دانشجو می‌پذیرند. اگر فرض کنیم از مجموع دانشگاه‌ها و مراکز و واحدهای دانشگاهی دولتی و غیر دولتی (که تعداد آن‌ها، براساس آنچه گذشت، از ۴۵ عنوان کمتر نیست) هریک به طور متوسط فقط به جذب هفت دانشجو در سال ۱۳۹۵ در ادبیات پایداری موفق شده باشند، علی‌القاعده تعداد پذیرفته‌شدگان این گرایش در سراسر کشور از ۳۱۵ نفر کمتر نیست و اگر تصور کنیم که در سال قبل هم حدود همین تعداد دانشجو در این رشته و گرایش پذیرفته شده باشد، دانشجویان در حال تحصیل این گرایش کمتر از ۶۳۰ نفر نخواهند بود.

قطعاً، «ادبیات پایداری» فضای تحقیقی تازه‌تر و گستره بکرتری فراروی محققان دانشگاهی قرار داده است و یقیناً نگاه تخصصی‌تر و جزئی‌نگرانانه‌تر به این مقوله و آثار ارزشمند ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و همراه کردن آن با تحقیقات بینارشته‌ای و تطبیقی و ایجاد هماهنگی میان دانشجویان این گرایش با مراکز تولید هنری و رسانه‌ها روزبه‌روز بر اعتبار این رشته یا گرایش و اشتیاق پژوهشگران به آن خواهد افزود.

تاکنون اهتمام و علاقه مسئولان دانشگاهی و استادان و اعضای هیئت علمی و دانشجویان به ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس دلیل عمده رشد و گسترش این رشته و گرایش در سال‌های اخیر بوده است و بشارت‌هایی فراوان در بر دارد؛ اما آیا همین عشق و ارادت کافی است و نگرانی‌های موجود را رفع می‌کند؟

بخشی از نگرانی‌ها از این قرار است:

آیا گسترش این گرایش مطابق با گسترش پژوهش و تولید علم در این زمینه

بوده است؟

آیا همهٔ ۴۵ دانشگاه و مرکزی که اقدام به تأسیس ادبیات پایداری کرده‌اند از امکانات پژوهشی لازم، از قبیل کتابخانه تخصصی و...، و استادان متبحر در این زمینه برخوردارند؟

آیا متون و منابع درسی لازم برای تدریس سرفصل‌های ادبیات پایداری در دسترس هست؟ آیا میل به گسترش عرصه‌های فعالیت و جذب دانشجویان بیشتر و کسب امکانات و بودجه افزون‌تر از دلایل پنهان روی آوردن برخی مراکز دانشگاهی، به‌ویژه مراکز تازه‌تأسیس، به این گرایش و دیگر گرایش‌ها و رشته‌های جدید نبوده است؟

آیا، در فرض فقدان مدرّسان ورزیده و صاحب‌نظر و متون آموزشی لازم، آنچه در کلاس‌های درس این گرایش در برخی از دانشگاه‌های دور یا نزدیک بیان می‌شود با سرفصل‌های پیش‌بینی‌شده منطبق و از کیفیت علمی لازم برخوردار است؟

آیا گزینش دانشجو به شیوه‌ای هست که علاقه‌مندان واقعی و دارای انگیزه لازم را جذب کند؟ و آیا این شیوه قادر است از راه یافتن افراد فاقد استعداد و انگیزه و کسانی که تنها به دنبال مدرک علمی در هر زمینه و رشته ممکن هستند جلوگیری کند؟

جامعه به چه تعداد فارغ‌التحصیل ادبیات پایداری نیاز دارد و آیا زمینه اشتغال و بازار کار برای درس‌آموختگان ادبیات پایداری موجود است؟

و...

بدیهی است که بخش عمده‌ای از این نگرانی‌ها مختص رشته یا گرایش ادبیات پایداری نیست و کمابیش بسیاری از رشته‌ها و گرایش‌های دانشگاهی، به‌ویژه رشته‌ها و گرایش‌های جدید، با همین مشکلات و نگرانی‌ها دست و گریبان‌اند؛ اما اهمیت و ضرورت گسترش فرهنگ دفاع مقدّس، که با امنیت ملی و آینده و موجودیت این سرزمین گره خورده است، اقتضا می‌کند صاحب‌نظران دلسوز در این نگرانی‌ها با درنگ بیشتری و با هدف چاره‌جویی به تأمل پردازند.

راه‌اندازی رشته‌ها و گرایش‌های تازه که، یک نیاز علمی مراکز دانشگاهی هم هست، به‌ویژه در عرصه علوم انسانی و موضوعاتی مثل ادبیات پایداری، ممکن است در نگاه اول ساده و حتی خداپسندانه به نظر برسد؛ اما بی‌شک توسعه کمی و بی‌بنیان یک رشته یا گرایش در آینده نزدیک به سرخوردگی و واگرایی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان آن خواهد انجامید و ناخواسته عوارضی در پی خواهد داشت که دلخواه هیچ مصلحت‌اندیشی نیست.

دیر

